

بررسی رابطه گرایش به جهانی شدن با سلامت روانشناختی (مورد مطالعه: دانشجویان دانشگاه شهید چمران اهواز)

دکتر کریم رضادوست^۱، دکتر علی حسین حسین زاده^۲ و حمیدرضا نصرالهی قلعه عبد شاهی^۳

تاریخ وصول: ۹۸/۱۲/۱۴

تاریخ پذیرش: ۹۹/۷/۶

چکیده:

هدف این مقاله بررسی رابطه گرایش به جهانی شدن با سلامت روانشناختی نظریه جهانی شدن گیدنز و جامعه مخاطره آمیز اولریش بک، مبنای نظری این پژوهش می باشد. جامعه آماری در این پژوهش، تعداد ۱۶۴۰۹ دانشجوی در حال تحصیل دانشگاه شهید چمران اهواز هستند که با روش طبقه ای متناسب با حجم (جنسیت، دانشکده و مقطع تحصیلی) و با توجه به جدول کرجسی و مورگان، تعداد ۳۷۷ نفر انتخاب گردید و برای اطمینان بیشتر این تعداد به ۴۰۰ نفر افزایش یافت. ابزار جمع آوری داده ها، پرسشنامه استاندارد شده است. داده های جمع آوری شده با استفاده از نرم افزار SPSS تجزیه و تحلیل شدند و از ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون چندمتغیره استفاده گردید. یافته های پژوهش، حاکی از آن است که بین گرایش به جهانی شدن اجتماعی و اقتصادی با سلامت روانشناختی دانشجویان، رابطه مستقیم و معنادار و بین گرایش به جهانی شدن سیاسی و فرهنگی با سلامت روانشناختی آنان، رابطه معکوس و معنادار وجود دارد و با توجه به معادله رگرسیونی، فقط دو متغیر گرایش به جهانی شدن اجتماعی و فرهنگی در مجموع ۱۱۱٪ از واریانس سلامت روانشناختی را تبیین می کنند. در پی بررسی متغیرهای جمعیت شناختی با سلامت روانشناختی نیز دریافته شد که میان درآمد و پایگاه ذهنی اقتصادی - اجتماعی با سلامت روانشناختی یک رابطه مستقیم و معنادار وجود دارد؛ همچنین دریافته شد که میانگین سلامت روانشناختی در بین زنان و مردان و شاغلین و بیکاران تفاوت معناداری دارد؛ اما بین مجردین و متأهلین تفاوت معناداری را نشان نمی دهد.

مفاهیم کلیدی: گرایش به جهانی شدن اجتماعی، گرایش به جهانی شدن سیاسی، گرایش به جهانی شدن اقتصادی، گرایش به جهانی شدن فرهنگی، سلامت روانشناختی

^۱ دانشیار گروه جامعه شناسی دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران k.rezadost@gmail.com

^۲ استاد گروه جامعه شناسی دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران alihos81@yahoo.com

^۳ کارشناس ارشد جامعه شناسی دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران (نویسنده مسئول) hamidreza.nasrolahi@yahoo.com

مقدمه و بیان مسأله

جهانی شدن را می توان پدیده‌ای دیالکتیکی دانست که در چارچوب آن رویدادهای یک نقطه از زمین، تأثیرهایی حتی متضاد در جوامعی بسیار دور دست می گذارد. این دیالکتیک، همان دیالکتیک امر محلی و جهانی است. جهانی شدن نه تنها عرصه‌ی روابط اجتماعی را در سرتاسر کره‌ی زمین و حتی فراتر از آن گسترش می دهد؛ بلکه گستره‌ی تأثیرپذیری اجتماعی را هم به همان اندازه فراخ تر می کند (Golmohammadi, 2002: 51).

جهانی شدن، پدیده‌ای چندبُعدی است. همان طور که *Allen & Massey* اظهار می دارند؛ جهانی شدن‌های بسیاری وجود دارند؛ شامل جهانی شدن ارتباطات، تجارت و فرهنگ و در سطح اقتصادی، اعمال شرکت‌های فراملی برای جهانی شدن تولید، به نظر اساسی می آیند (97: 2013, Miles). بنا به نظر جامعه‌شناسانی چون گیدنز، ما در جهانی با تحولات بسیار شگرف به سر می بریم و وظیفه‌ی جامعه‌شناسی این است که تحلیل نماید؛ تحولات مزبور چه تأثیری بر زندگی امروز ما دارند (61: 2001, Giddens). اگر امروز همه‌ی ما در «یک جهان» زندگی می کنیم؛ این امر تا حد زیادی نتیجه‌ی جهانی شدن رسانه‌های ارتباطی است. مسلماً فرایندهای جهانی شدن از جمله مهم ترین دگرگونی‌های اجتماعی هستند که در زمان کنونی رخ می دهند. بسیاری از مسایل بنیادی که زندگی انسانی را امروز احاطه کرده اند؛ لزوماً بر دی جهانی دارند. جامعه‌ی جهانی بیش از پیش متقابلاً وابسته شده است؛ فرایندی که به عنوان جهانی شدن شناخته می شود (582-588: 1997, Giddens).

مهم ترین شاخص جوامع مدرن، وفور ریسک و اطلاع از آن و تفتن مردم تحصیل کرده و دارای سطحی از رفاه است. این دوران، دوره‌ی پست مدرن یا ختم مدرنیته نیست و می تواند تداوم مدرنیته و تعمیق آن به شمار آید. *Beck Ulrich* این دوران را عصر *Reflexive* می خواند که به ژرف تر شدن فردیت انسان‌ها می انجامد و انسان در این شرایط مجبور است؛ خود برای خویشتن، مسیر زندگی و ریسک‌هایی که با آن مواجه می شود؛ تصمیم بگیرد. این روند راه به تحولی بنیادین و عمیق در اجتماع بشری می برد که عبارت است از ریشه کنی و برافتادن اشکال سابق انسجام و پیوستگی اجتماعی و شکل گیری اشکال و صور جدید پیوستگی و انسجام اجتماعی که در این فاصله، طبعاً دورانی از آشفتگی و بلاتکلیفی وجود خواهد داشت (43: 2009, Ghasemi).

بر این اساس، سلامت روانی افراد جامعه از جمله دغدغه‌های مهم محسوب می‌شود که در صورت نبود آن، افراد جامعه نخواهند توانست برای رشد و اعتلای خود و جامعه تلاش کنند؛ از سوی دیگر «رشد جهانی شدن ارتباطات، فناوری‌های پیشرفته، تبلیغات تجاری، اقتصاد، سیاست، فرهنگ» (Miles, 2013: 97) و ... روز به روز بیش تر و بیش تر می‌شود و بر دیگر جوامع و افراد تأثیر می‌گذارد و این تأثیرات می‌توانند مخرب یا مفید باشند؛ به همین دلایل است که آن چه بیش از هر چیز دیگر در این پژوهش اهمیت دارد؛ تأثیر گرایش به جهانی شدن بر سلامت روانشناختی به عنوان یکی از مؤلفه‌های سبک زندگی سلامت محور است.

بر پایه‌ی مطالعه‌ی ملی انجام شده در «سازمان ملی جوانان» رایج‌ترین فعالیت فراغتی نوجوانان و جوانان، تماشای تلویزیون، گوش دادن به موسیقی، معاشرت با دوستان، مطالعه‌ی کتاب، روزنامه و مجله و تماشای ماهواره بوده است. این یافته‌ها نشان می‌دهد که مصرف منفعلانه‌ی فراغت، بیش از مصرف فعالانه آن است (Kayhan, 2012: 119). همچنین پژوهش‌های فلاحیان و همکاران (۱۳۹۳)، یوسفی و محمدخانی (۱۳۹۲)، احمدی و همکاران (۱۳۹۰)، نشان داد که برخی از مشکلات روانشناختی مانند اضطراب، پرخاشگری، سردرگمی و ... در بین دانشجویان دیده می‌شود. با توجه به آنچه بیان شد به نظر می‌رسد؛ بروز برخی از مشکلات روانشناختی در بین دانشجویان، بی‌ارتباط با گرایش آنان به جهانی شدن نباشد. بر این اساس، اصلی‌ترین سؤال این تحقیق این است که چه رابطه‌ای میان گرایش به جهانی شدن و سلامت روانشناختی دانشجویان وجود دارد؟

پیشینه پژوهش

الف) تحقیقات داخلی

باقری و همکاران (۱۳۹۵)، در یک پژوهش پیمایشی دریافتند که جهانی شدن بر تغییر الگوی تغذیه‌ی دانش‌آموزان مؤثر است و اغلب مؤلفه‌های جهانی شدن از قبیل میزان استفاده از اینترنت، تبلیغات رسانه‌ای، مدگرایی و گروه همسالان با تغییر الگوی تغذیه رابطه‌ی معناداری دارند (Bagheri & et. al., 2016: 59).

حضار مقدم و همکاران (۱۳۹۴)، به بررسی اثر جهانی شدن بر سلامت افراد جامعه با استفاده از یک نمونه‌ی ۱۴۴ کشوری از کشورهای در حال توسعه در دوره‌ی زمانی ۲۰۰۹-۱۹۷۰ پرداخته‌اند. آنان از سه متغیر نرخ مرگ و میر کودکان، نرخ مرگ و میر زیر پنج سال و متوسط امید به زندگی در بدو تولد به‌عنوان شاخص‌های سلامت و از سه متغیر

جهانی شدن اقتصادی، جهانی شدن اجتماعی و جهانی شدن سیاسی به عنوان شاخص‌های جهانی شدن استفاده کردند و دریافتند که جهانی شدن منجر به بهبود شاخص‌های سلامت می‌گردد که در این میان، مؤلفه‌ی اجتماعی جهانی شدن، تأثیر بیشتری نسبت به سایر مؤلفه‌ها دارد (Hozzar Moghaddam & et. al., 2015: 199).

منتظری و همکاران (۱۳۹۳)، نیز به بررسی متون پژوهشی در جهان و ایران، پیرامون جهانی شدن و سلامت روان از آغاز تا پایان سال ۲۰۱۲ میلادی می‌پردازند. نتایج این بررسی نشان داد که جهانی شدن به انحاء گوناگون و گاه سوار بر موج سرمایه‌داری و استعمار، سلامت روان انسان‌ها را متأثر نموده و بر اساس اسناد موجود، این تأثیرات غالباً منفی بوده است. نتیجه‌ی این تأثیرات منفی به صورت مستقیم و غیر مستقیم، در شیوع مصادیقی از اختلال در سلامت روان همچون افسردگی، اضطراب، سردرگمی در هویت افراد، خودکشی و غیره مؤثر بوده است (Montazeri & et. al., 2014: 235).

نوابخش و نیکوکار (۱۳۹۰)، دریافتند که بین جهانی شدن و بحران هویت جوانان رابطه‌ی مستقیم و قوی وجود دارد و کاهش اهمیت عناصر هویت‌بخش به عنوان یکی از پیامدهای جهانی شدن نیز بر بحران هویت جوانان تأثیرگذار است. همچنین فرهنگ مصرف‌گرایی از نوع غربی و استفاده از محصولات تولیدی غرب در دوره‌ی جهانی شدن، رابطه‌ی مستقیمی با بحران هویت جوانان دارد و بین آگاهی در باب جهانی شدن و عدم بحران هویت جوانان رابطه‌ی مستقیمی وجود دارد. بین جهانی شدن فرهنگ به عنوان یکی از شاخه‌های جهانی شدن و بحران هویت جوانان رابطه‌ی معکوسی وجود دارد. همچنین در این تحقیق عدم وجود رابطه بین رسانه‌های جمعی و بحران هویت جوانان نیز به اثبات رسید (Navabakhsh & Nikookar, 2011: 89).

ب) تحقیقات خارجی

Kooienga and Carrier (2015) کوینگا و کریر (۲۰۱۵)، به رابطه‌ی نقش پرستار متخصص در ارائه‌ی مراقبت‌های بهداشتی اولیه و یک استاندارد جهانی اشاره می‌کنند و چنین بیان می‌کنند که تحت تأثیر جهانی شدن، نقش پرستار متخصص در ارائه‌ی مراقبت‌های بهداشتی اولیه، دگرگون شده است و پرداختن به مراقبت‌های ضروری بهداشتی در سراسر جهان برآورده نشده است (Kooienga & Carrier, 2015: 804).

ولندر و همکاران (۲۰۱۵)، با استفاده از داده‌های پنل ۷۰ کشور در حال توسعه، بین سال‌های ۱۹۷۰ و ۲۰۰۹ رابطه‌ی بین جهانی شدن، دموکراسی و سلامت کودکان را توضیح

می‌دهند. نتایج تحقیق آنان نشان می‌دهد که جهانی شدن، مرگ و میر نوزادان را کاهش می‌دهد و سطح دموکراسی را در کشورها و به‌طور کلی پیامدهای سلامت کودکان را بهبود می‌بخشد. همچنین آنان دریافتند که تغذیه، مهم‌ترین متغیر واسطه‌ای در رابطه است. در نتیجه، جهانی شدن و دموکراسی همراه با هم در بهتر شدن سلامت کودکان در کشورهای در حال توسعه مؤثرند (Welander & et. al., 2015: 52).

لابونته (۲۰۱۵)، بیان می‌کند که جهانی شدن، چگونگی تبدیل شدن فزاینده‌ی پیوستگی و وابستگی ملت، مردم، و اقتصاد را توضیح می‌دهد و نتیجه می‌گیرد که جهانی شدن از طریق انتشار دانش جدید سلامت، فناوری سلامت کم‌هزینه و حقوق بشر، به بهبود سلامت کمک کرده است ولی با این حال، بسیاری از خطرات بهداشتی را نیز به ارمغان آورده است (Labonte, 2015: 198).

نولتون (۲۰۱۱)، بیان می‌کند که پس از پیشرفت‌های علم بهداشت محیط زیست در قرن بیستم، جوامع رو به رشد، درک کرده‌اند که به چه میزان، سلامت بشر به اکوسیستم‌های طبیعی، متعادل و غیر آلوده در مقیاس‌های محلی و جهانی بستگی دارد. وی بیان می‌کند که جهانی شدن، اتصال درونی اقتصاد ملت‌ها، جریان رو به رشد کالاها، سرمایه‌گذاری، جمعیت و آلودگی را در سراسر مرزهای بین‌المللی افزایش داده است (Knowlton, 2011: 995).

مبانی نظری پژوهش

- نظریه‌های جهانی شدن

به لحاظ نظری خاستگاه جهانی شدن را باید در زمینه‌هایی چون طرح نظریه‌ی «Mcluhan-Marshall» در ۱۹۶۰ در خصوص دهکده‌ی جهانی و فشرده شدن جهان در کتاب «اکتشافات در ارتباطات» و نیز در اندیشه‌ی نظریه‌پردازان نظریه‌ی همگرایی مانند «Kerr»، «Dunlo» و «Harbison» جستجو نمود (Ghaffari & Ebrahimi Loya, 2005: 251-252).

Saint, Simon, Henri عقیده داشت که به واسطه‌ی عملکرد نیروهای جهانی ساز و همگونی‌آفرین، حد و مرزهای سیاسی - فرهنگی بیش از پیش تضعیف می‌شوند و جامعه‌ای جهانی شکل خواهد گرفت. دو نیرو یا عاملی که از دیدگاه سن سیمون در فرایند جهانی شدن مؤثرند، صنعتی شدن و علم‌الاجتماع است. Cont-August، شاگرد سن سیمون، که به فرایند پیشرفت بشر علاقه‌مند بود؛ همگونی و همبستگی فزاینده و سرانجام

شکل‌گیری یک جامعه‌ی جهانی را در گرو پشت سر گذاشتن «مراحل سه گانه» می‌دانست. کنت بر این باور بود که همه‌ی جوامع سرانجام از مرحله‌ی خداشناسی و مرحله‌ی مابعدالطبیعی عبور می‌کنند و به مرحله‌ی اثباتی خواهند رسید. در سومین مرحله، کل نوع بشر، واحد اجتماعی اصلی خواهد بود (Golmohammadi, 2002: 32).

در حالی که سن سیمون و اگوست کنت ریشه‌ی جهانی‌شدن و شکل‌گیری جامعه جهانی را در علم و صنعت و تحول ذهنی بشر جستجو می‌کردند؛ *Durkheim-Emile* پدیده‌ای اجتماعی را زمینه‌ساز و تسهیل‌کننده‌ی فروپاشی مرزهای فرهنگی - سیاسی و همگونی جهانی می‌دانست. بر اساس جامعه‌شناسی دورکیم، فروپاشی نظم اجتماعی سنتی به واسطه‌ی فرایند نوسازی، گامی مهم در راستای افزایش همگونی جهان به شمار می‌آید. و بر هم با آن که برای جوامع اروپایی و تمدن غربی ویژگی‌هایی استثنایی قایل بود، نوسازی و تجدد را عواملی بسیار مهم در فرایند جهانی‌شدن می‌دانست. این تأثیر در درجه‌ی نخست به واسطه‌ی گسترش عقلانیت امکان‌پذیر است اما از دیدگاه *Weber-Max* برخلاف نظام‌های اجتماعی - اقتصادی پیشین، نظام سرمایه‌داری ذاتاً نظامی مایل به تعمیق درونی و گسترش بیرونی است. بنابراین، نظام مورد نظر پس از این که شکل گرفت؛ رشد و گسترش خود را آغاز می‌کند. گر چه این رشد و گسترش با فراز و نشیب و نوسان‌هایی همراه است ولی متوقف نمی‌شود و دیر یا زود همه‌ی موانع و مرزهای طبیعی، سیاسی و فرهنگی را در می‌نوردد؛ پس می‌توان گفت: جهانی‌شدن، فرایندی است که تقریباً همزمان با شکل‌گیری سرمایه‌داری آغاز شده است و گسترش یابندگی نظام سرمایه‌داری در منطق انباشت، نهفته است. با توجه به این ویژگی سرمایه‌داری است که مارکس و *Engles-Friedrich* نظام مورد نظر را متولی یکپارچه‌سازی جهان دانسته‌اند (Golmohammadi, 2002: 33-35).

از نظر *Wallerstain* که در رأس مخالفان جهانی‌شدن است؛ فرایند شکل‌گیری نظام جهانی از سده‌ی شانزدهم میلادی آغاز شده و اکنون به اوج خود رسیده است. نظام جهانی سرمایه‌داری به رغم تمام توانایی‌ها و کارآمدی خود حاوی تضادهایی است که در نهایت به فروپاشی آن منجر خواهد شد. هر چه این نظام بیش‌تر جهانی می‌شود؛ تضادهای آن گسترده‌تر و عمیق‌تر خواهد شد و رو به زوال خواهد رفت (Nademi, 2009: 146). از دیدگاه وی جهانی‌شدن فرهنگی به معنای سیطره‌ی فرهنگ غرب بر دیگر فرهنگ‌ها است که به دوگانگی فرهنگی در جنوب منجر خواهد شد. منتقدانی چون او معتقدند: غربی‌کردن نمی‌تواند آخرین و بهترین پاسخ به جهانی‌شدن باشد؛ زیرا غرب، خود از مشکلات عدیده‌ی

اجتماعی و فرهنگی رنج می‌برد و با چالش‌های بسیاری در این زمینه روبه‌روست. از نظر بدبینان به فرایند جهانی شدن فرهنگ، جهانی‌سازی منجر به ادغام فرهنگی جوامع در حال توسعه و استحاله‌ی الگوهای فرهنگی آن‌ها خواهد شد که با توجه به تفاوت‌های زبانی، دینی و قومی در این جوامع و برتری الگوهای اقتصادی و فرهنگ غالب غرب بر خرده فرهنگ‌های کشورهای چندقومیتی ممکن است به تجزیه‌ی بسیاری از کشورهای جهان سوم منجر شود (Babran, 2002: 134).

Giddens به‌عنوان یکی از موافقان جهانی‌شدن معتقد است که ما در جهانی با تحولات بسیار شگرف به سر می‌بریم و در حال حاضر سه نوع تحول در دنیای جدید در حال رخ دادن است. این تحولات عبارتند از: ۱- تأثیر جهانی‌شدن که به معنای وابستگی متقابل و فزاینده است. زندگی ما ارتباط بیش‌ازپیش تنگاتنگی با رویدادهایی دارد که کیلومترها دورتر و حتی در آن سوی جهان، رخ می‌دهند. جهانی‌شدن بر همه جا تأثیر می‌گذارد، حتی بر فقیرترین کشورهای جهان که بارزترین جلوه‌های آن را می‌توان در نقش بازارهای مالی دید. جهانی‌شدن فقط اقتصادی نیست؛ بلکه بر گسترش فزاینده‌ی ارتباطات و نیز بر یک‌پارچگی افزون‌تر فرهنگی و سیاسی نیز دلالت دارد. وی معتقد است که پس از انقلاب ارتباطات و اتصال تکنولوژی ماهواره‌ای به رایانه‌ها، ما می‌توانیم در یک چشم به هم زدن، در هر زمان و با هر کسی در هر نقطه‌ای از جهان ارتباط برقرار کنیم که این ارتباط آنی، بسیاری از جنبه‌های زندگی ما را تغییر می‌دهد. ۲- دومین تأثیر عظیم جهانی‌شدن، عبارت است از تحولات تکنولوژیک. تکنولوژی اطلاعات، بسیاری از شیوه‌های کار و زندگی ما را تغییر داده است. ۳- سومین تأثیر عظیم بنیادین جهانی‌شدن، عبارت است از اینکه ساختار زندگی ما نه با گذشته، بلکه بیش‌تر با آینده قرین است. در مقایسه با گذشته، عادات، رسوم و سنت‌ها، نقش کم‌تری برای ما و به ویژه در کشورهای صنعتی ایفا می‌کنند (Giddens, 2001: 61-62). گیدنز، جهانی‌شدن را مجموعه‌ای از انتقال در حوزه‌ی زندگی، عواطف و روابط انسان‌ها با یکدیگر می‌داند. وی بر این باور است که به همان میزان که انتقال صورت می‌گیرد، وضعیت عاطفی و احساسی ما در حوزه‌ی عمل زندگی تغییر می‌کند. لذا موضوع جهانی‌شدن، روابط عاطفی افراد و زندگی شخصی آنها و روابط محلی و منطقه‌ای است که به سراسر جهان کشیده شده است؛ نه این که صرفاً یک مسئله‌ی اقتصادی باشد. او در جای دیگری می‌نویسد: «جهانی‌شدن را می‌توان تشدید روابط اجتماعی دانست؛ همان روابطی که موقعیت‌های مکانی دور از هم را چنان به هم پیوند

می‌دهد که هر رویداد محلی، تحت تأثیر رویدادهای دیگری که کیلومترها با آن فاصله دارد؛ شکل می‌گیرد و برعکس (Soroush & Hosseini, 2013: 54).

گسترش نظام‌های تخصصی^۱ روند بازاندیشی سنت‌ها را از راه رسانه‌های جهانی و وسایل سریع حمل و نقل در همه‌ی جوامع تسریع کرده است و به تدریج جامعه را به جامعه‌ی پسا‌سنتی تبدیل می‌کند. هر روز تعداد بیش‌تری از مردم در شرایطی زندگی می‌کنند که در آن نهادهای جدید و «از جا کنده شده» جنبه‌های اساسی زندگی روزمره را انتظام می‌بخشند. در چنین شرایطی بازیگر عرصه‌ی اجتماعی نه تنها حق دارد که درباره‌ی هر چیز، از شکل درمان تا شیوه‌ی زندگی تصمیم‌گیری کند؛ بلکه در بسیاری از موارد ناچار و ناگزیر از انتخاب است. این معنا از نظر گیدنز «جهانی‌شدن» را نشان می‌دهد که مجموعه‌ای از فرایندهاست که بخواهیم یا نخواهیم در واقع، بر همه‌ی انسان‌ها در دنیای جدید اثر می‌گذارد و تأثیر آن در زندگی روزمره، انکارناشدنی است و چه در فلان روستای افغانستان و چه در نیویورک، جهانی‌شدن را می‌توان تشدید در روابط اجتماعی تعریف کرد؛ همان روابطی که موقعیت‌های مکانی دور از هم را چنان به هم پیوند می‌دهد که هر رویداد محلی تحت تأثیر رویدادهای دیگری که کیلومترها با آن فاصله دارند؛ شکل می‌گیرند و بر عکس (Soroush & Hosseini, 2013: 62).

- نظریه‌های سلامت روانی

دیدگاه روانکاوی: از دیدگاه مکتب روانکاوی سلامت روان به معنای سازگاری فرد با خود و با خواسته‌ها و فشارهای جامعه است. به باور Freud بیش‌تر مردم به درجات گوناگون، روان‌نژند هستند و سلامت روانی یک آرمان است نه یک هنجار آماری و ویژگی‌های خاصی برای سلامت روانی ضرورت دارد. نخستین ویژگی آن، خودآگاهی است؛ یعنی هر آنچه که ممکن است در ناخودآگاه موجب مشکل شود؛ بایستی به خودآگاهی برسد. به نظر فروید، خودآگاهی عنصر اصلی سلامت روانی است. او یگانگی منطقی از علاقه‌مندی‌ها و اشتیاق‌های عمومی را معیار نهایی سلامت روان می‌داند (Kimiaei & et., 2011: 4).

دیدگاه نوسازی: نوسازی روانی یا تجدد روان، مفهومی است که به فرایندهای تغییر در سطوح ارزش‌ها، سبک‌های شناختی، ویژگی‌های شخصیتی و سلامت روانی اطلاق

¹ expert systems

می‌شود. این دسته از نظریه‌پردازان، نقطه‌ی شروع نوسازی را در انسان و نظام شخصیتی و روانی او می‌بینند و معتقدند که با تحقق نوسازی و نو شدن انسان، سایر جنبه‌های نوسازی یعنی نوسازی اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی او ظهور می‌کنند. از معروف‌ترین نظریه‌پردازان نوسازی، *Rogers* است. از نظر وی تغییر اندیشه و نظر نو از منبعی نو منتشر و اشاعه می‌یابد و قبول یک اندیشه به معنای تصمیم به تحقق بخشیدن کامل آن است. از دیدگاه وی یک اندیشه در پنج مرحله رخ می‌دهد که عبارتند از: آگاهی، علاقه، ارزشیابی، آزمایش و قبول آن اندیشه. از دیدگاه راجرز کسانی که اندیشه‌ی نوی را می‌پذیرند؛ هریک از مراحل فوق را پشت سر نهاده‌اند (*Ahmadi & et. al., 2011: 18*).

دیدگاه رفتارگرایی: رفتارگرایان، سلامت را به معنای وجود رفتار سازگارانه و عدم رفتار ناسازگارانه در فرد می‌دانند. رفتار سازگارانه، رفتاری است که فرد را به اهدافش برساند و رفتار ناسازگارانه رفتاری است که فرد را از رسیدن به اهدافش باز دارد. *Skinner* بر این باور است که سلامت روانی و انسان سالم، معادل با رفتار منطبق بر قوانین و ضوابط جامعه است و چنین انسانی، وقتی با مشکل روبه‌رو می‌شود؛ از راه شیوه اصلاح رفتار، برای بهبودی رفتار خود و اطرافیان استفاده می‌جوید و این کار را تا وقتی ادامه می‌دهد که به سطح هنجار مورد پذیرش برسد. [بنابراین] انسان سالم، کسی است که تأییدات اجتماعی بیش‌تری را به خاطر رفتارهای مناسبش از محیط و اطرافیان دریافت می‌کند (*Kimiaei & et. al., 2011: 5*).

دیدگاه انسان‌گرایی: دیدگاه انسان‌گرایی معتقد است که سلامت روانی یعنی ارضای نیازهای سطوح پایین و رسیدن به سطح خودشکوفایی. *Maslow* از نظریه‌پردازان مشهور انسان‌گرا است. به عقیده‌ی او سلامت روانی عبارت است از: حالت کسی که از نظر نیازهای بنیادی، آن‌قدر ارضا شده است که برای خودشکوفایی انگیزه داشته باشد. هر عاملی که این نیرو را به حرکت در آورد؛ فرد را در جهت سلامت روانی و خلق نیازهای بالا هدایت خواهد کرد (*Ahmadi & et. al., 2011: 19*). نظریه‌پردازان مکتب انسان‌گرایی بر این باورند که سلامت به معنای رشد، شکوفایی و تحقق استعدادها و نیروهای درونی انسان است. از دیدگاه نظریه‌پردازان این مکتب، انسان سالم، کسی است که استعدادهای خود را شکوفا می‌سازد و به کمال مطلوب و ایده‌آل برسد. مازلو بر این باور است که افراد برخوردار از سلامت، نیازهای سطوح پایین را برآورده کرده‌اند و اختلال روانشناختی ندارند. ادراک افراد سالم از واقعیت صحیح است؛ آن‌ها جهان را به صورت عینی ادراک می‌کنند؛ این افراد، خودانگیخته، سالم و طبیعی هستند؛ عواطف خود را صادقانه و بدون رنجش دیگران نشان

می‌دهند. تجارب عارفانه دارند و همین تجارب، موجب اعتلا و احساس قدرت و قاطعیت آن‌ها می‌شود. *Fromm* نیز بر این باور است که انسان دارای سلامت، کسی است که عمیقاً عشق می‌ورزد. آفرینشگر است و قدرت تعقل را در خودش کاملاً پروراند است و خودش و جهان را به شکل عمیقی ادراک می‌کند؛ احساس درست و پایدار دارد؛ با جهان در پیوند است و در آن ریشه و رسالت دارد و حاکم بر سرنوشت خویش است (*Kimyayi & et. al.*, 2011: 4).

چارچوب نظری پژوهش

مبنای چارچوب نظری این پژوهش، نظریه‌ی جهانی‌شدن آنتونی گیدنز و جامعه‌ی مخاطره‌آمیز اولریش بک است. ریتزر به نقل از گیدنز بیان می‌کند که «کنشگر انسانی با وجود استعداد بازاندیشی، موجود صرفاً خودآگاهی نیست؛ بلکه جریان جاری فعالیت‌ها و شرایط را بازتاب می‌کند (Ritzer, 2004: 601).

گیدنز با اشاره به گسترش نظام‌های اجتماعی در امتداد زمان و مکان بیان می‌دارد که گسترش یافتن زمان و مکان و تأثیرگذاری چشم‌گیر سازمان‌ها و حکومت‌های چندملیتی بر زندگی مردم و همزمان با آن، محدود شدن زندگی روزمره‌ی مردم و تماس‌های چهره‌به‌چهره‌ی آنان در چارچوب اجتماعات محلی، تنش‌ی بین این دو تجربه‌ی افراد به وجود می‌آورد و پیامد این تنش، چیزی است که گیدنز «نامنی هستی‌شناختی» نامیده است؛ یعنی شرایطی که در آن، مردم درک محدود و تسلط‌اندرکی بر شرایط و فرایندهای مؤثر بر زندگی خود دارند (Siddiq Sarvestani & Nimrozi, 2010: 202).

مدرنیته، اصلی‌ترین و بنیادی‌ترین مفهوم و پدیده‌ی مورد نظر گیدنز در جهانی‌شدن است. «از دیدگاه گیدنز تحول بنیادین و پایه‌ای هویت و زندگی اجتماعی انسان و پیدا شدن ابعاد جهانی برای زندگانی بشر، محصول پدیده‌ی مدرنیته است. به نظر وی، مدرنیته چیزی فراتر از صنعتی‌شدن و زندگی صنعتی و گسترش نهادهای امروزی است. گرچه همه‌ی این پدیده‌ها را نیز در بر می‌گیرد. به عبارت دیگر مدرنیته به معنی تغییر نقش و جایگاه فضا و زمان در زندگانی بشر است (Salimi, 2007: 244-245).

جهانی‌شدن از نظر گیدنز چهار بعد اصلی دارد که در واقع همان ابعاد نهادی مدرنیته‌اند که گسترش جهانی یافته و ساختارهای جهانی نو، پیدا کرده‌اند. در واقع این خصلت‌ها، آثار جهانی‌شدن هستند که به‌طور معمول بر زندگی انسان‌ها در پایان قرن

بیستم تأثیر می‌گذارند و می‌توان آن‌ها را مشاهده کرد. تحوّل در سطح زندگی روزمره^۱ و هویت‌های فردی یکی از آثار جهانی‌شدن است (Salimi, 2007: 256-264).
اولریش بک نیز جامعه‌ی جهانی را یک جامعه‌ی مخاطره‌آمیز می‌داند. به نظر وی از اواخر قرن بیستم، فردیت تعمیق یافته است و از ساختار به عاملیت رسیده‌ایم. فردگرایی یک وضعیت اجتماعی است که از انتخاب آزادانه‌ی افراد ناشی نمی‌شود؛ بلکه آن‌ها را وادار می‌کند تا زندگی‌نامه‌های خود را بسازند. این خودسازی اجباری باید مطابق اولویت‌ها و مراحل مختلف زندگی اتفاق افتد. جامعه‌ی مخاطره‌آمیز فقط به بیم و خطرهای محیط زیستی و سلامت و بهداشت محدود نمی‌شود؛ بلکه شامل مجموعه‌ی کاملی از تغییرات مرتبط به هم در زندگی اجتماعی معاصر است (Ahmadi & Dehghani, 2015: 107-108).

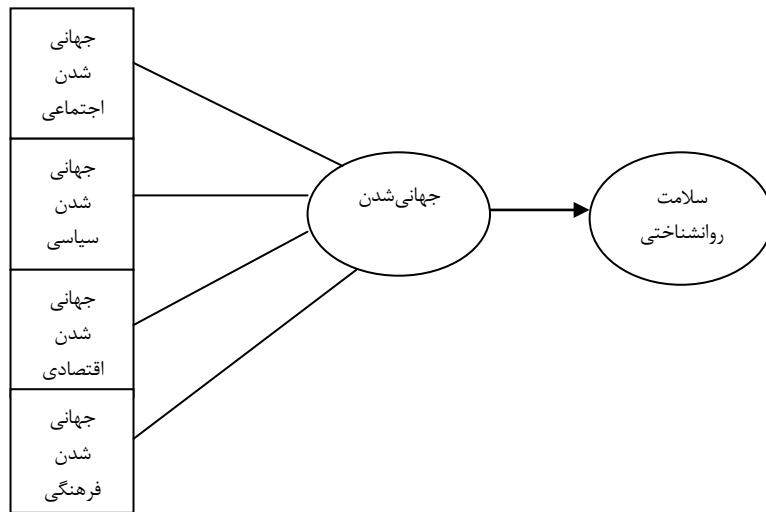
از نظر بک، جهانی‌شدن یک فرایند دیالکتیکی غیرخطی است که در آن جهانی و محلی، نه به عنوان قطب‌های فرهنگی، بلکه به‌عنوان اصول ترکیب‌شده و متقابلاً به هم پیچیده وجود دارند. بک، خطرات نوگرایی را نتیجه‌ی مستقیم صنعتی‌شدن می‌داند و معتقد است که شدت خطر در ارتباط با جهانی‌شدن دو برابر است. او نوگرایی را اصلی‌ترین نیروی جهانی‌کننده می‌داند. از نظر بک مخاطره‌های امروز بر همه‌ی کشورها و طبقه‌های اجتماعی تأثیر می‌گذارند. این مخاطره، نه فقط پیامدهای مشخص، بلکه پیامدهای جهانی را به دنبال دارد. بسیاری از شکل‌های مخاطره مثل مخاطره‌هایی که به سلامتی انسان و محیط زیست مربوط می‌شوند؛ مرزهای ملی را در می‌نوردند (Ahmadi & Dehghani, 2015: 113-114).

با توجه به نظرات گیدنز و اولریش بک درباره‌ی جهانی‌شدن و تأثیرات مخاطره‌آمیز آن بر زندگی‌های فردی و با توجه به دیدگاه نوسازی و نظرات راجرز درباره‌ی سلامت روانی می‌توان گفت: هر یک از کنشگران اجتماعی، تحت تأثیر جهانی‌شدن قرار دارند؛ آنان پس از طی مراحل که راجرز بدانها اشاره کرده است؛ نسبت به پدیده‌ها و اندیشه‌های نو از جمله پیامدهای مثبت و منفی جهانی‌شدن، آگاهی می‌یابند و در نهایت برای پذیرش یا عدم پذیرش آن‌ها تصمیم می‌گیرند و یدین ترتیب، سلامت روانی آنان تحت تأثیر قرار می‌گیرد. بنابراین جهانی‌شدن به‌عنوان یک منبع ساختاری و کلان‌تغییرات، بر اندیشه‌های کنشگران اجتماعی از جمله دانشجویان تأثیر می‌گذارد و سلامت روانی آنان را افزایش یا کاهش می‌دهد.

¹ level of everyday life

مدل مفهومی پژوهش

با توجه به مبانی و چهارچوب نظری ارائه شده، می توان یک مدل مفهومی برای تحقیق پیش رو، به شکل ذیل ارائه داد.



شکل ۱: مدل مفهومی پژوهش

Figure 1: Conceptual Model of Research

فرضیه های پژوهش

- ۱- بین گرایش به جهانی شدن اجتماعی و سلامت روانشناختی، رابطه ای معناداری وجود دارد.
- ۲- بین گرایش به جهانی شدن سیاسی و سلامت روانشناختی، رابطه ای معناداری وجود دارد.
- ۳- بین گرایش به جهانی شدن اقتصادی و سلامت روانشناختی، رابطه ای معناداری وجود دارد.
- ۴- بین گرایش به جهانی شدن فرهنگی و سلامت روانشناختی، رابطه ای معناداری وجود دارد.
- ۵- بین درآمد و سلامت روانشناختی، رابطه ای معناداری وجود دارد.
- ۶- بین پایگاه ذهنی اقتصادی - اجتماعی و سلامت روانشناختی، رابطه ای معناداری وجود دارد.

- ۷- بین سلامت روانشناختی مردان و زنان، تفاوت معناداری وجود دارد.
- ۸- بین سلامت روانشناختی بیکاران و شاغلین، تفاوت معناداری وجود دارد.
- ۹- بین سلامت روانشناختی مجردین و متأهلین، تفاوت معناداری وجود دارد.

تعریف مفهومی و عملیاتی متغیرها

تعریف مفهومی گرایش به جهانی شدن اجتماعی: جهانی شدن موجب شده است که نوع، شرایط و سطح زندگی روزمره‌ی انسان به طور اساسی متحول شود. بیشتر کنش‌های اجتماعی و رفتارهای بشر در جامعه‌ی سنتی در قالب خانواده، سنت‌ها و آداب و رسوم محلی صورت می‌گرفت اما در شرایط جهانی شدن، ابعادی در شرایط جدید، پدیدار شده که سطح زندگی روزمره را تغییر داده است؛ به‌طور مثال: زندگی و هویت زنان در جامعه‌ی جدید دچار دگرگونی اساسی گردیده است. در اثر دیالکتیک موجود بین امور محلی و جهانی، روابط اجتماعی و هویت‌های جدیدی شکل می‌گیرند که زندگی روزمره و سنت‌های اجتماعی را تحت تأثیر قرار می‌دهند. این امر به شکل گرفتن معنای جدیدی از «خود» برای افراد بشر می‌انجامد. این خود جدید، محصول تعامل بین فرایندهای جهانی و محلی است (Salimi, 2007: 264-265) که گرایش اجتماعی افراد جامعه را نسبت به جهانی شدن شکل می‌دهد.

تعریف عملیاتی گرایش به جهانی شدن اجتماعی: مؤلفه‌ی گرایش به جهانی شدن اجتماعی از مقاله‌ی بذرافکن و همکاران (۱۳۹۲)، اقتباس شده است. به منظور عملیاتی کردن مفهوم گرایش به جهانی شدن اجتماعی، از ۶ گویه با طیف پنج گزینه‌ای لیکرت از خیلی زیاد (۵)، زیاد (۴)، متوسط (۳)، کم (۲) و خیلی کم (۱) یا کاملاً موافقم (۵)، موافقم (۴)، نظری ندارم (۳)، مخالفم (۲) و کاملاً مخالفم (۱) استفاده شده است. برای تعیین روایی سازه، از تحلیل عاملی اکتشافی به روش مؤلفه‌های اصلی بهره گرفته شده است. پایایی این مؤلفه با محاسبه‌ی ضریب آلفای کرونباخ ۰/۷۶ به دست آمد. در این پژوهش هر پاسخگو می‌توانست؛ از این مؤلفه، نمره‌ای بین ۶ تا ۳۰ را به دست آورد. نمره‌ی ۶ نشانه‌ی گرایش ضعیف و نمره ۳۰ نشانه‌ی گرایش قوی است (Bazrafkan & et. al., 2013).

تعریف مفهومی گرایش به جهانی شدن سیاسی: سه شاخص مهم سیاسی جهانی شدن عبارتند از: سقوط نظام‌های تمامیت‌خواه و اقتدارگرای سیاسی، گرایش به دموکراسی و

تکثر (پلورالیسم)^۱ سیاسی و احترام به حقوق بشر (Pyshgahi Fard, 2001: 169).
 ترویج اندیشه‌ی جهان وطنی^۲ در سطح روابط میان ملل و اقوام، ارتقای دموکراسی و رشد
 فرهنگ سیاسی در سطح جهان، تبدیل اقتدار سنتی جوامع به قدرت نظام‌مند و رقابتی،
 رشد و گسترش حقوق شهروندی^۳، تقویت و رشد آگاهی در قالب جامعه‌ی مدنی، تحول در
 بینش‌های سیاسی، تغییر شیوه‌ی نگرش به حیات سیاسی، شکل‌گیری ایستارهای^۴ تکثرگرا
 و ضد اقتدارگرا در روابط ملتها و دولت‌ها، تبادل اطلاعات، عقاید، افکار و ارزش‌های
 سیاسی در سطح کلان و بین‌المللی و نهادمند شدن تکثر و آزادی انتخاب در قالب
 مدل‌های توسعه‌ی سیاسی و جامعه‌ی مدنی، بخش قابل توجهی از تأثیرات جهانی‌شدن در
 عرضه‌ی سیاسی در سطح جهانی می‌باشد (Mirmohammadi, 2002: 65-66).

تعریف عملیاتی گرایش به جهانی‌شدن سیاسی: مؤلفه‌ی گرایش به جهانی‌شدن
 سیاسی از مقاله‌ی بذرافکن و همکاران (۱۳۹۲)، اقتباس شده است. به منظور عملیاتی
 کردن مفهوم گرایش به جهانی‌شدن سیاسی، از ۴ گویه با طیف پنج گزینه‌ای لیکرت به
 صورت کاملاً موافقم (۵)، موافقم (۴)، نظری ندارم (۳)، مخالفم (۲) و کاملاً مخالفم (۱) یا
 همیشه (۵)، معمولاً (۴)، گاهی اوقات (۳)، به ندرت (۲) و هرگز (۱) استفاده شده است.
 برای تعیین روایی سازه، از تحلیل عاملی اکتشافی به روش مؤلفه‌های اصلی بهره گرفته
 شده است. پایایی این مؤلفه با محاسبه ضریب آلفای کرونباخ ۰/۷۴ به دست آمد. در این
 پژوهش هر پاسخگو می‌توانست؛ از این مؤلفه، نمره‌ای بین ۴ تا ۲۰ را به دست آورد. نمره‌ی
 ۴ نشانه‌ی گرایش ضعیف و نمره‌ی ۲۰ نشانه‌ی گرایش قوی است (Bazrafkan & et. al., 2013).

تعریف مفهومی گرایش به جهانی‌شدن اقتصادی: در تعریف جهانی‌شدن بیش از هر
 چیز، مفهوم و جنبه‌ی اقتصادی آن غلبه دارد. در واقع بخش اقتصادی متأثر از جهانی‌شدن
 به مرحله‌ای می‌رسد که خود را از دولت‌های ملی، مستقل می‌داند. به‌طور کلی شاخص‌های
 جهانی‌شدن اقتصاد عبارتند از: ۱. افزایش تجارت جهانی با نرخ رشد سریع‌تر از رشد اقتصاد
 جهانی؛ ۲. شدت‌گیری جریان بین‌المللی سرمایه؛ ۳. شکل‌گیری نظام‌های بین‌المللی؛ ۴.
 ایجاد نهادهای جهانی همچون WTO^۵؛ ۵. روند تغییر ماهیت شرکت‌های چند ملیتی به

¹ pluralism

² cosmopolitanism

³ citizenship

⁴ attitude

⁵ world trans organization

شرکت‌های جهان‌ملیتی (Tusi, 2009: 19-21). آنچه از مفهوم گرایش اقتصادی مدنظر است؛ عبارت از یک روش نسبتاً ثابت در فکر، احساس و رفتار نسبت به موضوع جهانی شدن اقتصاد است.

تعریف عملیاتی گرایش به جهانی شدن اقتصادی: مؤلفه‌ی گرایش به جهانی شدن اقتصادی از مقاله‌ی بذرافکن و همکاران (۱۳۹۲)، اقتباس شده است. به منظور عملیاتی کردن مفهوم گرایش به جهانی شدن اقتصادی، از ۵ گویه با طیف پنج گزینه‌ای لیکرت به صورت کاملاً موافقم (۵)، موافقم (۴)، نظری ندارم (۳)، مخالفم (۲) و کاملاً مخالفم (۱) یا همیشه (۵)، معمولاً (۴)، گاهی اوقات (۳)، به ندرت (۲) و هرگز (۱) استفاده شده است. برای تعیین روایی سازه، از تحلیل عاملی اکتشافی به روش مؤلفه‌های اصلی بهره گرفته شده است. پایایی این مؤلفه با محاسبه‌ی ضریب آلفای کرونباخ ۰/۷۳ به دست آمد. در این پژوهش هر پاسخگو می‌توانست؛ از این مؤلفه، نمره‌ای بین ۵ تا ۲۵ را به دست آورد. نمره‌ی ۵ نشانه‌ی گرایش ضعیف و نمره‌ی ۲۵ نشانه‌ی گرایش قوی است (Bazrafkan & et. al., 2013).

تعریف مفهومی گرایش به جهانی شدن فرهنگی: برخی جهانی شدن فرهنگ را جهانی شدن دموکراسی غربی به تدریج و یا حقوق بشر غربی می‌دانند و از آن به‌عنوان دموکراتیزه شدن یاد می‌کنند. برخی دیگر از صاحب‌نظران مانند والرشتاین واژه‌ی فرهنگ جهانی را به معنای پایه‌های فکری و ایدئولوژیک نظام سرمایه‌داری یاد می‌کند و معتقد است با کمک آن، نظام جهانی می‌تواند بر بحران‌های خود فایق آید (Arbabi, 2010: 39).

آنچه از مفهوم گرایش به جهانی شدن فرهنگی به ذهن می‌آید؛ عبارت از یک روش نسبتاً ثابت در فکر، احساس و رفتار نسبت به موضوع جهانی شدن فرهنگ است. تعریف عملیاتی گرایش به جهانی شدن فرهنگی: مؤلفه‌ی گرایش به جهانی شدن فرهنگی از مقاله‌ی بذرافکن و همکاران (۱۳۹۲)، اقتباس شده است. به منظور عملیاتی کردن مفهوم گرایش به جهانی شدن فرهنگی، از ۴ گویه با طیف پنج گزینه‌ای لیکرت به صورت کاملاً موافقم (۵)، موافقم (۴)، نظری ندارم (۳)، مخالفم (۲) و کاملاً مخالفم (۱) یا همیشه (۵)، معمولاً (۴)، گاهی اوقات (۳)، به ندرت (۲) و هرگز (۱) استفاده شده است. برای تعیین روایی سازه، از تحلیل عاملی اکتشافی به روش مؤلفه‌های اصلی بهره گرفته شده است. پایایی این مؤلفه با محاسبه‌ی ضریب آلفای کرونباخ ۰/۶۷ به دست آمد. در این پژوهش هر پاسخگو می‌توانست؛ از این مؤلفه، نمره‌ای بین ۴ تا ۲۰ را به دست آورد. نمره‌ی

۴، نشانه‌ی گرایش ضعیف و نمره‌ی ۲۰، نشانه‌ی گرایش قوی است (Bazrafkan & et. al., 2013).

تعریف مفهومی سلامت روانشناختی: سازمان جهانی سلامت، سلامت روانی را بخش بسیار مهمی در حیطه‌ی سلامت می‌داند که برنامه‌ریزی در جهت بهبود آن را مؤثر و ضروری می‌داند. سلامت روانی از دیدگاه این سازمان عبارت است از: حالتی از سلامتی که در آن فرد توانایی‌های خود را بشناسد؛ با فشارهای طبیعی زندگی مقابله کند؛ برای جامعه مثمر ثمر باشد و قادر به تصمیم‌گیری و مشارکت جمعی باشد. بر این اساس، سلامت روانی مبنای رفاه و سلامتی برای افراد و جامعه است (Ahmadi & et. al., 2011: 11).

تعریف عملیاتی سلامت روانشناختی: سلامت روانشناختی یکی از ۱۰ مؤلفه‌ی پرسش‌نامه‌ی سبک زندگی است که لعلی، عابدی و کجباف آن را در سال ۱۳۹۱ ساختند. آن‌ها برای تعیین روایی محتوایی، این پرسش‌نامه را به ۱۰ نفر متخصص دادند که پس از اعمال نظر در خصوص حذف، اضافه و اصلاح گویه‌ها، روایی محتوایی حاصل شد. به منظور بررسی پایایی پرسشنامه از دو روش همسانی درونی و بازآزمایی استفاده شده است. این مؤلفه شامل ۷ گویه است که با طیف لیکرت ۵ گزینه‌ای به صورت همیشه (۵)، معمولاً (۴)، گاهی اوقات (۳)، به ندرت (۲) و هرگز (۱) نمره‌گذاری می‌شوند. لعلی و همکاران (۱۳۹۱)، ضریب بازآزمایی این مؤلفه را ۰/۹۴، ضریب همبستگی آن را ۰/۶۲ و آلفای کرونباخ آن را ۰/۸۸ برآورد نمودند. در این پژوهش نیز پرسشنامه در اختیار پاسخگویان قرار گرفت و هر پاسخگو نظر خود را در پرسش‌نامه علامت زد که پس از بررسی پایایی، ضریب آلفای کرونباخ ۰/۷۸ به دست آمد. هر پاسخگو می‌تواند از مؤلفه‌ی سلامت روانشناختی نمره‌ای بین ۷ تا ۳۵ دریافت کند. نمره‌ی ۷ نشانه سلامت روانشناختی پایین و نمره‌ی ۳۵ نشانه سلامت روانشناختی بالا است (Laali & et. al., 2012).

روش‌شناسی پژوهش

روش تحقیق در این پژوهش، روش پیمایشی است و برای گردآوری داده‌های پیمایش، از ابزار پرسشنامه استفاده شده است. جامعه‌ی آماری این پژوهش، تمام دانشجویان در حال تحصیل دانشگاه شهید چمران اهواز در نیمسال اول سال تحصیلی ۹۴-۱۳۹۳ می‌باشند که آمار آنها بر اساس اعلام دفتر برنامه‌ریزی آموزشی دانشگاه شهید چمران اهواز ۱۶۴۰۹ نفر می‌باشد. روش نمونه‌گیری در این پژوهش، نمونه‌گیری طبقه‌ای متناسب با حجم (جنسیت، مقطع تحصیلی و دانشکده) است. به منظور تعیین حجم نمونه،

روش‌های متعددی پیشنهاد شده است. *Kerjcie & Morgan* با توجه به خطای نمونه‌گیری ۰/۰۵ و سطح اطمینان ۹۵٪ همیسته با آماره‌ی مجذور کای (خی دو) برای یک درجه‌ی آزادی فرمول زیر را پیشنهاد می‌کنند:

$$n = \frac{z^2 NP(1 - P)}{d^2(N - 1) + Z^2 P(1 - P)}$$

و جدولی را بر اساس این فرمول و مقادیر مختلف N ارائه کرده‌اند. بر اساس جدول مذکور برای جامعه‌ی آماری ۲۰/۰۰۰ نفر، نمونه‌ی ۳۷۷ نفری را پیشنهاد کرده‌اند (*Hassanzadeh, 2013: 132-133*). با توجه به آمار دانشجویان در حال تحصیل در نیمسال اول سال تحصیلی ۹۴-۱۳۹۳ دانشگاه شهید چمران اهواز که ۱۶۴۰۹ نفر است؛ یک نمونه‌ی ۳۷۷ نفری پیشنهاد می‌شود که برای اطمینان بیشتر این نمونه به ۴۰۰ نفر افزایش یافت.

یافته‌های پژوهش

الف) آماره‌های توصیفی

با یک نگاه کلی به ترکیب جمعیتی حجم نمونه می‌توان گفت که ۲۲۴ نفر از پاسخگویان (معادل ۵۶٪) را دختران و ۱۷۶ نفر (معادل ۴۴٪) را پسران تشکیل می‌دهند؛ از این تعداد ۰/۳ درصد در مقطع کاردانی، ۶۴/۷ درصد در مقطع کارشناسی، ۲۵ درصد در مقطع کارشناسی ارشد و ۱۰ درصد در مقطع دکتری تحصیل می‌کنند. میانگین سنی پاسخگویان ۲۳/۴۸، کمترین سن ۱۸ سال و بیش‌ترین سن ۴۱ سال است. و نحوه‌ی پاسخگویی پاسخگویان به متغیرهای مستقل و وابسته نیز در جدول ۱ قابل مشاهده است.

جدول ۱: آماره‌های توصیفی متغیرهای مستقل و وابسته

Table 1: Descriptive Statistics of Independent and Dependent Variables

| متغیر | تعداد | دامنه | کمینه | بیشینه | میانگین |
|----------------------------|--------|-----------|---------|---------|---------|
| Variable | Number | Amplitude | Minimum | Minimum | Mean |
| گرایش به جهانی شدن اجتماعی | 377 | 19/00 | 11/00 | 30/00 | 23/47 |
| گرایش به جهانی شدن سیاسی | 377 | 16/00 | 4/00 | 20/00 | 11/19 |
| گرایش به جهانی شدن اقتصادی | 377 | 17/00 | 8/00 | 25/00 | 17/72 |
| گرایش به جهانی شدن فرهنگی | 377 | 16/00 | 4/00 | 20/00 | 11/22 |
| سلامت روانشناختی | 377 | 23/00 | 12/00 | 35/00 | 27/24 |

ب) آماره‌های استنباطی

در این بخش به منظور بررسی رابطه‌ی همبستگی بین ابعاد گرایش به جهانی شدن و همچنین درآمد و پایگاه ذهنی اقتصادی - اجتماعی با سلامت روانشناختی از آزمون ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است که نتیجه‌ی روابط میان متغیرهای مستقل و وابسته در جدول ۲ قابل مشاهده است.

جدول ۲: نتایج ضریب همبستگی پیرسون

Table 2: Pearson Correlation Coefficient Results

| نام متغیر | ضریب همبستگی پیرسون | سطح معناداری | نتیجه آزمون |
|--|---------------------|--------------|-------------|
| Variables | Pearson | Sig<0/05 | Test Result |
| گرایش به جهانی شدن اجتماعی و سلامت روانشناختی | 0/246** | 0/000 | تأیید |
| گرایش به جهانی شدن سیاسی و سلامت روانشناختی | -0/107* | 0/038 | تأیید |
| گرایش به جهانی شدن اقتصادی و سلامت روانشناختی | 0/160** | 0/002 | تأیید |
| گرایش به جهانی شدن فرهنگی و سلامت روانشناختی | -0/135** | 0/009 | تأیید |
| درآمد و سلامت روانشناختی | 0/093* | 0/035 | تأیید |
| پایگاه ذهنی اجتماعی - اقتصادی و سلامت روانشناختی | 0/161** | 0/001 | تأیید |

* $p < 0.05$ ** $p < 0.01$

- با توجه به جدول ۲ و $Sig = 0/000$ می توان نتیجه گرفت که رابطه ی معناداری میان گرایش به جهانی شدن اجتماعی و سلامت روانشناختی در سطح اطمینان ۹۹ درصد وجود دارد. بدین ترتیب این فرضیه تأیید می شود و با توجه به $r = 0/246$ می توان نتیجه گرفت که جهت و شدت رابطه بین گرایش به جهانی شدن اجتماعی و سلامت روانشناختی مستقیم و ضعیف است؛ بدین معنی که با افزایش گرایش به جهانی شدن اجتماعی، سلامت روانشناختی دانشجویان افزایش می یابد.

- با توجه به جدول ۲ و $Sig = 0/038$ می توان نتیجه گرفت که رابطه معناداری میان گرایش به جهانی شدن سیاسی و سلامت روانشناختی در سطح اطمینان ۹۵ درصد وجود دارد و بدین ترتیب این فرضیه نیز تأیید می شود و با توجه به $r = -0/107$ می توان نتیجه گرفت که جهت و شدت رابطه بین گرایش به جهانی شدن سیاسی و سلامت روانشناختی معکوس و ضعیف است؛ بدین معنی که با افزایش گرایش به جهانی شدن سیاسی، سلامت روانشناختی دانشجویان کاهش می یابد.

- با توجه به جدول ۲ و $Sig = 0/002$ می توان نتیجه گرفت که رابطه ی معناداری میان گرایش به جهانی شدن اقتصادی و سلامت روانشناختی در سطح اطمینان ۹۹ درصد وجود دارد و بدین ترتیب این فرضیه نیز تأیید می شود و با توجه به $r = 0/160$ می توان نتیجه گرفت که جهت و شدت رابطه بین گرایش به جهانی شدن اقتصادی و سلامت روانشناختی مستقیم و ضعیف است؛ یعنی با افزایش گرایش به جهانی شدن اقتصادی، سلامت روانشناختی دانشجویان، افزایش می یابد.

- با توجه به جدول ۲ و $Sig = 0/009$ می توان نتیجه گرفت که رابطه ی معناداری میان گرایش به جهانی شدن فرهنگی و سلامت روانشناختی در سطح اطمینان ۹۹ درصد وجود دارد. بدین ترتیب این فرضیه نیز تأیید می شود و با توجه به $r = -0/135$ می توان گفت که جهت و شدت رابطه بین گرایش به جهانی شدن فرهنگی و سلامت روانشناختی مستقیم و ضعیف است؛ بدین معنی که با افزایش گرایش به جهانی شدن فرهنگی، سلامت روانشناختی دانشجویان کاهش می یابد.

- با توجه به جدول ۲ و $Sig = 0/035$ می توان نتیجه گرفت که بین درآمد و سلامت روانشناختی دانشجویان رابطه ی معناداری در سطح اطمینان ۹۵ درصد وجود دارد و با توجه به $r = 0/093$ می توان گفت که جهت و شدت این رابطه مستقیم و ضعیف است؛ بدین معنی که با افزایش درآمد، سلامت روانشناختی دانشجویان افزایش می یابد.

- با توجه به جدول ۲ و $Sig = ۰/۰۰۱$ می‌توان نتیجه گرفت که بین پایگاه ذهنی اقتصادی - اجتماعی و سلامت روانشناختی دانشجویان رابطه‌ی معناداری در سطح اطمینان ۹۹ درصد وجود دارد و با توجه به $r = ۰/۱۶۱$ می‌توان گفت که جهت و شدت این رابطه مستقیم و ضعیف است؛ بدین معنی که با بالاتر رفتن پایگاه ذهنی اقتصادی - اجتماعی سلامت روانشناختی دانشجویان افزایش می‌یابد.

به منظور بررسی تفاوت میانگین سلامت روانشناختی، بین دو گروه (زن و مرد) و (شاغل و بیکار) و (مجرد و متأهل) از آزمون t دو گروه مستقل استفاده شد که نتایج آن به شرح جدول ۳ می‌باشد.

جدول ۳: آزمون t دو گروه مستقل

Table 3: T-Test of Two Independent Groups

| متغیرها | عنوان | میانگین رتبه‌ها | آماره‌ی T | سطح معناداری |
|---------------------------------|-------|-----------------|-------------|--------------|
| Variables | Title | Average Ratings | Statisticst | Sig<0/05 |
| جنسیت و سلامت روانشناختی | زن | 27/7048 | 2/144 | 0/033 |
| | مرد | 26/6766 | | |
| وضعیت اشتغال و سلامت روانشناختی | بیکار | 27/0816 | -2/094 | 0/043 |
| | شاغل | 28/9412 | | |
| وضعیت تأهل و سلامت روانشناختی | مجرد | ۲۷/۰۹۷۹ | -1/788 | 0/080 |
| | متأهل | ۲۸/۴۸۷۲ | | |

- با توجه به جدول ۳ میانگین نمره‌ی سلامت روانشناختی در میان زنان با مقدار (۲۷/۷۰۴۸) بیشتر از میانگین نمره‌ی سلامت روانشناختی در میان مردان با مقدار (۲۶/۶۷۶۶) است و با توجه به $Sig = ۰/۰۳۳$ می‌توان نتیجه گرفت که سلامت روانشناختی میان دو گروه زن و مرد تفاوت معناداری را نشان می‌دهد.

- با توجه به جدول ۳ میانگین نمره‌ی سلامت روانشناختی در میان دانشجویان شاغل با مقدار (۲۸/۹۴۱۲) بیشتر از میانگین سلامت روانشناختی در میان دانشجویان بیکار با مقدار (۲۷/۰۸۱۶) است و با توجه به $Sig = ۰/۰۴۳$ می‌توان نتیجه گرفت که سلامت روانشناختی در میان دو گروه دانشجویان شاغل و بیکار تفاوت معناداری را نشان می‌دهد.

- با توجه به جدول ۳ میانگین نمره‌ی سلامت روانشناختی در میان دانشجویان متأهل با مقدار (۲۸/۴۸۷۲) بیشتر از میانگین سلامت روانشناختی در میان دانشجویان مجرد با مقدار (۲۷/۰۹۷۹) است اما با توجه به $Sig = ۰/۰۸۰$ می‌توان نتیجه گرفت که این تفاوت میانگین معنادار نیست.

نتایج تحلیل رگرسیونی

پس از بررسی رابطه‌ی متغیرهای مستقل با سلامت روانشناختی، به منظور برآورد میزان تبیین‌کنندگی همزمان متغیرهای مستقل بر سلامت روانشناختی، از رگرسیون چند متغیره بهره می‌جویم که مفروضات آن از قبیل نرمال بودن توزیع و استقلال خطاها از یکدیگر و نرمال بودن توزیع متغیر وابسته، بررسی و مناسب تشخیص داده شد و برای تعیین معادله‌ی رگرسیون چند متغیره، از جدول خروجی آزمون رگرسیون بهره می‌گیریم که نتایج آن در جدول ۴ قابل مشاهده است.

جدول ۴: مدل خلاصه شده

Table 4: Summary Model

| ضریب همبستگی | R^2 | برآورد خطای استاندارد | آزمون دوربین-واتسون |
|-----------------------------|-------|---------------------------|---------------------|
| The correlation coefficient | R^2 | Standard error estimation | Durbin-Watson Test |
| 0/346 | 0/111 | 4/38940 | 1/930 |

جدول ۵: تحلیل واریانس ANOVA

Table 5: ANOVA Analysis of Variance

| مدل | مجموع مربعات | درجه آزادی | میانگین مربعات | F | سطح معناداری |
|------------|----------------|--------------------|--------------------|--------|--------------|
| Model | Sum of squares | Degrees of freedom | Average of squares | F | Sig <0/05 |
| رگرسیون | 977/314 | 4 | 244/329 | 12/681 | 0/000 |
| باقی مانده | 7167/248 | 372 | 19/267 | | |
| کل | 8144/562 | 376 | | | |

جدول ۶: ضرایب استاندارد شده و استاندارد نشده

Table 6: Standardized and Non-Standardized Coefficients

| سطح معناداری | t | Beta | B | مدل |
|--------------|--------|--------|--------|----------------------------|
| Sig <0/05 | t | Beta | B | Model |
| 0/000 | 13/661 | | 21/300 | مقدار ثابت |
| 0/000 | 4/682 | 0/270 | 0/327 | گرایش به جهانی شدن اجتماعی |
| 0/147 | -1/454 | -0/093 | -0/124 | گرایش به جهانی شدن سیاسی |
| 0/141 | 1/473 | 0/085 | 0/099 | گرایش به جهانی شدن اقتصادی |
| 0/046 | -2/004 | -0/127 | -0/186 | گرایش به جهانی شدن فرهنگی |

با توجه به $Sig = 0/000$ ، رابطه‌ی خطی بین حداقل یکی از متغیرهای مستقل و سلامت روانشناختی تأیید می‌شود. از بین متغیرهای مستقل وارد شده در معادله‌ی رگرسیون، فقط رابطه‌ی متغیرهای گرایش به جهانی شدن اجتماعی و گرایش به جهانی شدن فرهنگی با سلامت روانشناختی معنادار است و با توجه به ضریب تعیین $R^2 = 0/0111$ در مجموع این دو متغیر به میزان $0/111$ از واریانس سلامت روانشناختی را تبیین می‌کنند و با توجه به ضریب استاندارد شده‌ی $Beta$ می‌توان گفت که بیشترین تأثیر، مربوط به متغیر گرایش به جهانی شدن اجتماعی با بتای $0/270$ است؛ یعنی به ازای یک واحد تغییر در گرایش به جهانی شدن اجتماعی به میزان $0/270$ سلامت روانشناختی دانشجویان تغییر می‌کند و پس از آن بیشترین تأثیر مربوط به متغیر گرایش به جهانی شدن فرهنگی است که به ازای یک واحد تغییر در متغیر مذکور، سلامت روانشناختی دانشجویان به میزان $-0/127$ تغییر خواهد کرد و در مجموع می‌توان معادله‌ی رگرسیونی را به صورت زیر ارائه داد:

$$\text{گرایش به جهانی شدن فرهنگی} = (-0/186) + \text{گرایش به جهانی شدن اجتماعی} (0/270) + 21/300 = \text{سلامت روانشناختی}$$

بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش با هدف بررسی رابطه‌ی گرایش به ابعاد جهانی شدن با سلامت روانشناختی در میان دانشجویان دانشگاه شهید چمران اهواز انجام شده است. با آزمون فرضیات، رابطه‌ی ابعاد جهانی شدن و سلامت روانشناختی به اثبات رسید. آزمون فرضیات و ضریب همبستگی میان متغیرهای مستقل و وابسته نشان می‌دهد که گرایش به

جهانی شدن اجتماعی و اقتصادی با سلامت روانشناختی، رابطه‌ی مستقیم و مثبت اما گرایش به جهانی شدن سیاسی و فرهنگی با سلامت روانشناختی، رابطه‌ی معکوس و منفی دارند؛ بدین معنی که با افزایش گرایش به جهانی شدن اجتماعی و اقتصادی، سلامت روانشناختی دانشجویان افزایش می‌یابد و بالعکس با کاهش گرایش به این دو متغیر، سلامت روانشناختی آنان کاهش می‌یابد. از سوی دیگر با افزایش گرایش به جهانی شدن سیاسی و فرهنگی، سلامت روانشناختی دانشجویان کاهش می‌یابد و بالعکس با کاهش گرایش به این دو متغیر، سلامت روانشناختی آنان افزایش می‌یابد.

در بررسی متغیرهای جمعیت‌شناختی، دریافته شد که جنسیت، وضعیت اشتغال، درآمد و پایگاه ذهنی اقتصادی - اجتماعی با سلامت روانشناختی دانشجویان رابطه‌ی معناداری را نشان می‌دهند؛ بدین صورت که میانگین سلامت روانشناختی در بین زنان و شاغلین بیشتر از مردان و بیکاران است و با توجه به سطح معنی‌داری، این تفاوت میانگین، معنی‌دار است. از سوی دیگر رابطه‌ی درآمد و پایگاه ذهنی اقتصادی - اجتماعی نیز با سلامت روانشناختی دانشجویان مستقیم و مثبت ارزیابی شد؛ بدین صورت که با افزایش درآمد و بالاتر رفتن سطح پایگاه ذهنی اقتصادی - اجتماعی، سلامت روانشناختی دانشجویان، افزایش و با کاهش این دو متغیر، سلامت روانشناختی آنان نیز کاهش می‌یابد؛ اما در مورد وضعیت تأهل، علیرغم بالاتر بودن میانگین نمره‌ی سلامت روانشناختی متأهلین نسبت به مجردین، این تفاوت میانگین، معنی‌دار نیست.

یافته‌های این پژوهش با استفاده از پیشینه‌ی نظری و تجربی نیز، قابل اثبات است. گیدنز برای جهانی شدن خصوصیات و خصلت‌هایی را ذکر می‌کند. در واقع این خصلت‌ها، آثار جهانی شدن هستند که به‌طور معمول بر زندگی انسان‌ها تأثیر می‌گذارند و می‌توان آنها را مشاهده کرد. تحول در سطح زندگی روزمره^۱ و هویت‌های فردی یکی از آثار جهانی شدن است. جهانی شدن موجب شده است که نوع، شرایط و سطح زندگی روزمره‌ی انسان‌ها به‌طور اساسی متحول شود. در شرایط جهانی شدن، ابعادی در شرایط جدید، پدیدار شده که سطح زندگی روزمره را تغییر داده است (Salimi, 2007: 256-264). با توجه به مدل علمی والتر والاس (Wallace, 1974:18)، می‌توان این نظریه‌ی گیدنز را از سطح زندگی روزمره و هویت‌های فردی به مؤلفه‌های سلامت از جمله سلامت روانشناختی، تعمیم داد و چنین بیان کرد که گرایش به جهانی شدن و ابعاد آن، بر سلامت روانشناختی کنشگران اجتماعی و از جمله دانشجویان تأثیر می‌گذارد.

¹ level of everyday life

یافته‌های این پژوهش با نتایج تحقیقات (Welander & et. al., 2015)، (Montazeri & et. al., 2015)، (Labonte, 2015)، (Hozzar Moghaddam & et. al., 2015)، (al., 2014) و (Navabakhsh & Nikookar, 2011) همخوانی دارد. علاوه بر این، نتایج بررسی متغیرهای جمعیت‌شناختی و سلامت روانشناختی نیز با نتایج تحقیقات (Yousefi & Mohammadkhani, 2013)، (Ahmadi & et. al., 2011)، (Mokhtaripour et al., 2007) و (Moradi & et. al., 2007) همخوانی دارد.

جهانی‌شدن، ورود عوامل غیر بومی به درون مرزهای بومی، ملی و محلی است و مانند هر پدیده‌ای دیگر، پیامدهایی مثبت و منفی دارد. روشن است که روند جهانی‌شدن از کشورهای توسعه‌یافته‌ی غربی به کشورهای کمتر توسعه‌یافته و پیرامونی است و در این روند، کشورهای جهان سومی تحت تأثیر کشورهای قدرتمند قرار می‌گیرند. حتی «برخی پا را از این فراتر می‌گذارند و جهانی‌شدن را غربی‌شدن و آمریکایی‌شدن می‌دانند» (Golmohammadi, 2002: 20). با توجه به وضعیت اقتصادی و اجتماعی کشورهای کمتر توسعه‌یافته، از جمله ایران، برتری اقتصادی و اجتماعی جهان غرب، جزء آمال و آرزوهای اقشار مختلف جامعه از جمله دانشجویان شده است؛ از طرفی دیگر تضاد سیاسی و فرهنگی کشورمان، ایران، با جهان غرب، موجب شده است تا یک دیدگاه منفی نسبت به سیاست‌ها و فرهنگ غربی و جهانی‌شدن سیاسی و فرهنگی در اذهان اقشار جامعه از جمله دانشجویان پدید آید. بنابراین می‌توان گفت که گرایش به جهانی‌شدن اجتماعی و اقتصادی بر سلامت روانشناختی دانشجویان اثرات مثبت و مطلوبی بر جای گذاشته است اما گرایش به جهانی‌شدن فرهنگی و سیاسی بر سلامت روانشناختی آنان، اثرات منفی و نامطلوبی داشته است. این نتیجه‌ی دوگانه، یادآور نظرات اولریش بک در باب جامعه‌ی مخاطره‌آمیز جهانی است. به عقیده‌ی اولریش بک «ریسک، زمانی است که انسان سود و زیان احتمالی یک امر را می‌سنجد و گزینه مطلوبش را انتخاب می‌کند. در هر ریسکی میزانی از عدم قطعیت و احتمال نهفته است و از این رو ربط مستقیمی به تصمیم‌گیری و نظم‌دهی به آینده دارد. به نظر وی، جامعه ریسک، جامعه‌ای در اصل جهانی است» (Ghasemi, 2009: 29-39). بدین ترتیب می‌توان نتیجه گرفت که گرایش به وضعیت برتر اقتصادی و اجتماعی جهان غرب و در نتیجه گرایش به جهانی‌شدن اقتصادی و اجتماعی، سلامت روانی و آرامش خاطر دانشجویان را بالا می‌برد و از سوی دیگر گرایش به فرهنگ و سیاست‌های جهان غرب و جهانی‌شدن سیاسی و فرهنگی که در تضاد با سیاست‌ها و فرهنگ ایرانی است؛ موجب کاهش سلامت روانی و آرامش خاطر دانشجویان می‌گردد.

بنابراین پیشنهاد می‌شود که مسئولان امر برای بهره‌مندی از اثرات مطلوب جهانی شدن - که پدیده‌ای غیر قابل اجتناب است - و همچنین جلوگیری از اثرات نامطلوب آن، برنامه‌ریزی‌های لازم را به عمل آورند. به نظر می‌رسد؛ ضروری‌ترین مسئله، تقویت بنیان‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی کشور و همچنین آگاهی بخشیدن به جوانان و به خصوص دانشجویان در این زمینه است. مهم‌ترین سازمان‌های آگاهی‌بخش یعنی آموزش و پرورش، آموزش عالی، رسانه‌های همگانی و از همه‌ی آنها مهم‌تر، صدا و سیما است که می‌توانند با تولید محتوای آموزشی و فرهنگی مناسب به آگاهی‌بخشی بپردازند و تمامی افراد جامعه به خصوص جوانان و دانشجویان را مخاطب قرار دهند.

References:

Ahmadi, H., & Dehghani, R. (2015). "Opinions and Thoughts of Ulrich Beck (Theorist of Dangerous Society)", *Journal of Social Development (Former Human Development)*, 10 (2), 101-126. (Persian).

Ahmadi, H., Marzban, M., & Rouhani, A. (2011). "A Study of Socio-Cultural Factors Related to the Mental Health of Shiraz University Students", *Journal of Sociological of Youth Studies*, 1(1), 9-36. (Persian).

Arbabi, M. (2010). "Investigating the Impacts of Globalization on Teacher Education in Iran", Master Thesis in Educational Sciences (History and Philosophy of Education), Shahid Chamran University of Ahvaz, 2010. (Persian).

Bagheri, M., Rezadoost, K., Avini, M., & Mavalizadeh, E. (2016). "Investigating the effect of globalization on nutrition pattern change", *Journal of Social Development (Former Human Development)*, 10(4), 59-76. (Persian).

Babran, S. (2002). "Satellites, Globalization of Culture and Identity Crisis", *Journal of Communication Research*, No. 30, 31, pp 133-149. (Persian).

Bazrafkan, L., Yamani, N., Shakur, M., Omid, A., Johari, Z., & Rouhalamini, Am, (2013). "Components of globalization from the perspective of students participating in four summer interdisciplinary summer schools in Shiraz", *Journal of Developmental Steps in Medical Education Center for the Study and Development of Medical Education*, 10 (3), 312-321. (Persian).

Fallahian, R., Aghaei, A., Atashpour, H., & Kazemi, A. (2014). "The effect of psychological well-being training on mental health of students of Islamic Azad University, Khorasgan Branch (Isfahan)", *Journal of Applied Psychology*, 15(2), 14-24. (Persian).

Ghaffari, G & Ebrahimi Loya, A. (2005). "Sociology of Social Change", Tehran, Agra Publishing in collaboration with Loya Publishing. (Persian).

Golmohammadi, A. (2002). "Globalization, Culture, Identity", Tehran, Ney Publishing. (Persian).

- Giddens, A. (2001). "The Consequences of Modernity", Thalasi, M., Tehran, Markaz Publishing. (Persian).
- Giddens, A. (1997). "Sociology", Saburi, M., Tehran, Ney Publishing. (Persian).
- Ghasemi, M. (2009). "Risk Society and Its Importance for Strategic Studies", Journal of Strategic Studies, 12(45), 27-46. (Persian).
- Hassanzadeh, R. (2013). "Research Methods in Behavioral Sciences", Tehran, Valan Publishing. (Persian).
- Hazar Moghaddam, N., Sahabi, B., Ahmadi, A., & Mahmoudi, V. (2015). "The effect of globalization on health indicators", Journal of Strategic Studies of Globalization, Year 6, No. 19, pp. 199-236. (Persian).
- Kimiaei, A., Khademian, H., Farhadi, H. (2011). "Quran memorization and its effect on mental health components", Journal of Sociology of Women (Woman and Society), 2(4), 1-12. (Persian).
- Kayhan, M. (2012). "Lifestyle and Leisure in Modern Society", Journal of Young Studies and Media, No. 8, pp. 98-124. (Persian).
- Knowlton, K. (2011). "Globalization and Environmental Health", Reference Module in Earth Systems and Environmental Sciences, from Encyclopedia of Environmental Health, PP. 995-1001.
- Kooienga, S. & Carryer, J., (2015). "Globalization and Advancing Primary Health Care Nurse Practitioner Practice", Journal of Nurse Practitioners, 11(8), 804-811.
- Labonté, R. (2015). "Globalization and Health", International Encyclopedia of the Social & Behavioral Sciences, (Second Edition), pp 198-205.
- Laali, M., Abedi, A., Kajbaf, M., (2012). "Construction and Validation of Lifestyle Questionnaire (LSQ)", Journal of Psychological Research, 15(1), 64-80. (Persian).
- Miles, S. (2013). "Sociology of Youth (Trends in Changes in Youth Lifestyle)", Gavan, N., Gharib, M., Tehran, Sociologists Publications. (Persian).

Mokhtariapour, M., Goodarzi, Z., Siadat, A., & Keyvanara, M. (2007). "The relationship between demographic variables with anxiety and depression in students of Isfahan University of Medical Sciences", *Journal of Behavioral Sciences Research*, 5(2), 107-113. (Persian).

Moradi, A., Kalantari, M., Motamedi, M. (2007). "The relationship between demographic variables and mental health of the physically disabled in Isfahan", *Journal of Psychology Knowledge and Research*, No. 31, pp. 83-100. (Persian).

Montazeri, A., Tavousi, M., Omidvari, S., Hedayati, A., Rostami, T., Hashemi, A. (2014). "Globalization and Mental Health: A Systematic Review of Research Texts", *Journal of Payesh*, 13(2), 235-250. (Persian).

Mirmohammadi, D. (2002). "Globalization; Dimensions and Approaches", *Journal of National Studies*, 3(11), 59-84. (Persian).

Nademi, D. (2009). "Pros and Cons of Globalization", *Journal of Political-Economic Information*, No. 268-268, pp. 159-142. (Persian).

Navabakhsh, M., Nikokar, M. (2011). "Globalization and Youth Identity Crisis", *Journal of Strategic Studies in Public Policy*, 2(3), 89-110. (Persian).

Pishgahi-Fard, Z. (2001). "Dimensions of Globalization", *Journal of the Faculty of Literature and Humanities University of Tehran*, No.157, pp. 155-172. (Persian).

Ritzer, G. (2004). "Sociological Theory in Contemporary Times", Thalasi, M. Tehran, Scientific Publications. (Persian).

Soroush, M. & Hosseini, M. (2013). "Globalization Independent of the Family and Lifestyle of Urban Women", *Journal of Women and Society*, No. 1, pp.53-76. (Persian).

Salimi, H. (2007). "Various theories about globalization", Tehran, Samat Publications. (Persian).

Sedigh Sarvestani, R., Nimrozi, N. (2010). "A Study of the Relationship between Participation in Neighborhood Relations and the Sense of Security in Neighborhoods of Mashhad", *Journal of Disciplinary Knowledge*, 12 (47), 185-220. (Persian).

Tusi, T. (2009). "A Study of Theoretical Foundations of Globalization and Its Effects on the General Objectives of the

Curriculum of the Iranian Education System”, Master Thesis in Educational Sciences (History and Philosophy of Education), Shahid Chamran University of Ahvaz, 2009. (Persian).

Wallace, W. (1974). “The Logic of Science in Sociology”, Chicago, Aldine Publishing Company.

Welander, A., Lyttkens, C., & Hampus, N. (2015). “Globalization, democracy, and child health in developing countries”, Journal of Social Science & Medicine, Vo. 136-137, pp, 52-63.

Yousefi, F., Mohammadkhani, M. (2013). “Evaluation of mental health of students of Kurdistan University of Medical Sciences and its relationship with the variables of age, sex, and their field of study”, Journal of Mashhad University of Medical Sciences, No 6, pp. 354-361. (Persian).

The Effect of Tendency to Globalization on Mental Health (Case Study: Students of Shahid Chamran University)

Karim Reza doost (Ph.D)¹, Alihossein Hossein Zadeh (Ph.D)²
Hamireza Nasrollahi Ghaleh Abde Shahi³

DOI: 10.22055/QJSD.2020.16734

Abstract:

The aim of this article is survey tendency to globalization on mental health. Theoretical basis of this article is the Giddens structure theory and risky society Ulrich Beck. The population in this article are 16409 students studying in the Shahid Chamran University that was selected 377 person with the method stratified sampling proportional with size (gender, college and education) and according to table Krejcie and Morgan and to ensure that number rose to 400. In order to collect data is standardized questionnaires. Collected data were analyzed using the software SPSS and was used from Pearson's correlation coefficient and multivariate regression. Research findings argues that seen the significant positive correlation between social and economic trend of globalization with students' mental health and there is a significant inverse relationship between political and cultural trend of globalization with students' mental health. According to the regression equation only two variables social and cultural trend of globalization explained 0.111 of mental health variance. In a survey of demographic variables with students' mental was found that there is a significant positive correlation among income and socio-economic base with mental health. Also found that there is a significant difference average mental health in between men and women and workers and the unemployed but does not show a significant difference between singles and married.

Key Concepts: Tendency to Social Globalization, Tendency to Political Globalization, Tendency to Economic Globalization, Tendency to Cultural Globalization, Mental Health

¹ Associate Professor, Department of Sociology, Shahid Chamran University, Ahvaz, Ahvaz, Iran, k.rezadost@gmail.com

² Professor, Department of Sociology, Shahid Chamran University, Ahvaz, Ahvaz, Iran, alihos81@yahoo.com

³ Master of Sociology, Shahid Chamran University, Ahvaz, Ahvaz, Iran, (Corresponding Author), hamidreza.nasrollahi@yahoo.com



© 2019 by the authors. Licensee SCU, Ahvaz, Iran. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution-Non Commercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0 license) (<http://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/>).